

این فلات پهناور (تاسیلی به زبان بربری) ۷۲۰۰۰ کیلومتر مربع از صحرای مرکزی جنوب شرقی الجزایر را در برمی گیرد. این فلات نوعی دژ طبیعی است که فقط چند دره تنگ و عمیق در آن نفوذ یافته است. در غرب، فلات (با ارتفاع متوسط ۱۵۰۰ متر) به



یک صخره ۵۰۰ متری په درازای تقریباً ۷۰۰ متر ختم می شود. شبکه ای از دره های گود و پارک به میان صخره می رود و بعضی از دره های آن برکه، چشمه، یا حتی جریانهای دائمی آب با حاشیه های از پوشش گیاهی دارند. گروه های ساکن مردم طوارق مدت ها در این واحه ها مستقر بوده اند و طوارق های صحرا گرد در جاهای دیگر فلات در گردش اند، اگرچه آنها هم در نتیجه خشکی و کاهش منابع گیاهی که تعادل بوم شناختی حساس فلات را تهدید می کند، به ساکن شدن گرایش یافته اند. تاسیلی نعجر به دلیل هزاره ها نقاشی و حکاکی روی سنگ که آن را به صورت بزرگترین موزه ماقبل تاریخ فضای باز در آورده است، مشهور است. این هنر سنگی نئولیتیک (۶۰۰۰ - ۲۰۰۰ پیش از میلاد) و بسیاری باقیمانده های باستان شناختی دیگر نشان می دهند که در دوره ای مرطوبتر که گیا و زیاده در منطقه بسیار فراوانتر بوده است مردمی آنجا زندگی می کرده اند. این محل در ۱۹۸۲، به خاطر ارزشهای فرهنگی و طبیعی آن، وارد فهرست میراث جهانی شد. یک برنامه مدیریت پسا همکاری یونسکو بر مبنای بندهای بیمان در حال اجراست. جب، حکاکی کار نر در تگر قارت، نزدیک جانیه، قسمت پایین سمت چپ، بوته تیره هفت بند در استنبلن.

مفهوم میراث جهانی

نوشته میشل پران

بقایای باستانشناختی در وسط یک بیابان باشد؛ یک گنجینه طبیعی ممکن است یک پارک ملی بسیار وسیع و بزرگتر از بعضی کشورها باشد.

ضمن اینکه زمینه کاربرد بیمان به تدریج مشخص می شود، روشن می شود که امکانات مورد نیاز برای انجام هدفهای آن بسیار بیشتر از منابعی است که کمیته میراث جهانی در اختیار دارد. این منابع فقط می تواند هزینه کار فوری؛ مطالعات کارشناسی؛ پژوهشهایی که در درازمدت انجام می شوند و دچار کمبود هزینه شده اند؛ و کار پیشگیری کننده ای که برای جلوگیری از خرابی گنجینه ها لازم است و هزینه هایی که به دنبال این خرابی پیش می آید و تضمین حفظ اصالت آنها را تأمین کند.

انتشار اطلاعات درباره میراث جهانی در رسانه ها باید به تشویق عملیات محافظتی اساسی کمک کند، اما موفقیت پوشش رسانه ها را سختگیری فهرست تهیه شده و ضرورت نماینده و کاملاً معتبر بودن این فهرست تعیین می کنند. سرانجام، مسئولیت مشترک در کمک به گنجینه های میراث جهانی مستلزم نشان دادن دائمی

است و هم قابل قبول. این بیمان در حوادث طبیعی سی که هیچ کشوری، حتی پیشرفته ترین و مجهزترین کشور، نمی تواند آنها را پیش بینی کند، اعتبار، همیاری ویژه و حمایت خود را در اختیار هر کشور عضو قرار می دهد.

همه کشورها میراث فرهنگی و طبیعی قابل ارزیابی دارند. بسیاری از ۱۰۲ کشور عضو بیمان سوابقی به کمیته میراث جهانی ارجاع و گنجینه های بی شماری را وارد فهرست کرده اند. اما ممکن است پرسید چرا همه آنها چنین نکرده اند؟ چندان منطقی نیست که کشوری بیمان را تصویب کند (مگر اینکه فقط ارزشی نمادی برای این تصویب قائل باشد)، و بعد بیش از این کاری انجام ندهد. چرا بیمان فقط ۱۰۲ کشور عضو دارد؟ چرا بیمان ۱۹۷۲ حمایت کامل جهانی را جلب نکرده است؟ کوششهای مشترک کشورهای عضو، یونسکو، شورای بین المللی یادمانها و محلهای حفاظت شده (ICOMOS) برای تعریف زمینه های همکاری بین المللی (از طریق نواحی دارای فرهنگ، باورها و تکنیکهای معماری مشترک، یا از طریق راههای اصلی ارتباطی و تجارتي) با فضاهای خالی روی نقشه ها، مانند شکافهایی که با عنوان منطقه ناشناخته روی اطلسهای قدیمی آمده اند، خنثی می شوند.

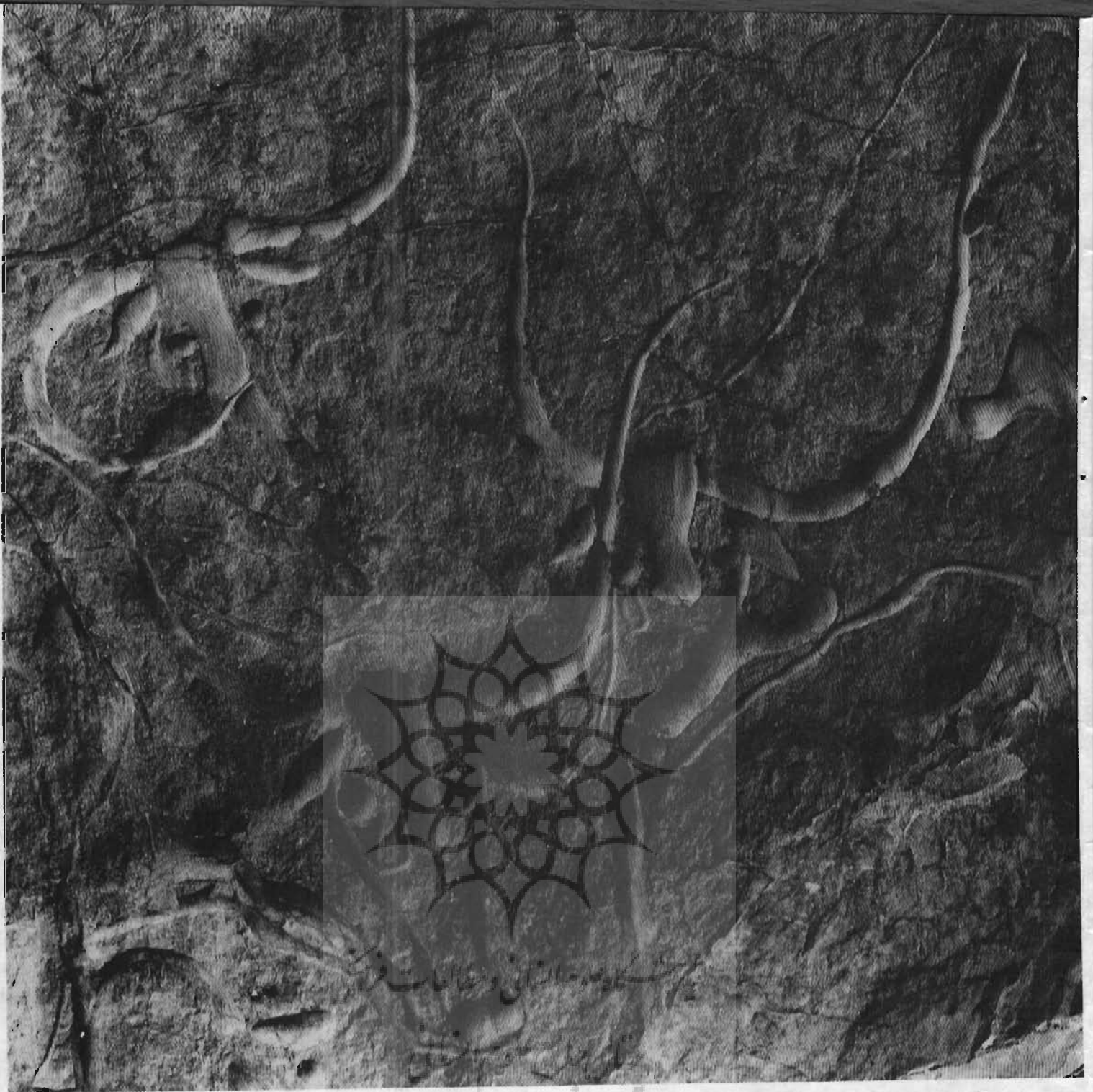
مسئله تفاوت های بزرگی نیز بین این کشورها وجود دارد که از اندازه، انبوهی جمعیت، قدمت فرهنگ آنها، دگرگونیهای تاریخشان یا توجهی که تاکنون برای حفظ میراث فرهنگی شان نشان داده اند سرچشمه می گیرد. همچنین این حقیقت که در فهرست میراث جهانی شمار گنجینه های فرهنگی بسیار بیش از گنجینه های طبیعی است به خودی خود اهمیت ندارد. یک گنجینه فرهنگی ممکن است ساختمانی کوچک یا دورافتاده، یا حتی

تهیه فهرستی از میراث جهانی کاری دانشگاهی نیست. تهدیدی است بین المللی با ماهیتی حقوقی، تکنیکی و عملی، که به منظور بسیج یک همبستگی فعال برای حفظ میراث فرهنگی و طبیعی طراحی شده است.

این میراث تحت تهدید دائم اثرهای توسعه نیافتگی یا توسعه غیرعادلانه است. برای تضمین بقای آثار فرهنگی نابود شده و غنای فرهنگهای برجای مانده، برای نجات گونه های در حال زیست از انقراض، برای امکان پذیر ساختن احیای مداوم منابع طبیعی و برای حفظ تعادل بوم شناختی، همکاری بین المللی لازم است. اجرای بیمان ۱۹۷۲ در صف مقدم این کوشش قرار دارد.

صورت برداری از گنجینه های دارای ارزش جهانی کار هوشمندانه و هیجان انگیزی است، اما مستلزم تعریف محدودتری از مفهوم میراث است که در اثر پیشرفت علمی و بسط مفهومهای تاریخ و فرهنگ گرایش به فراگیر شدن دارد. درست است که همه چیز متعلق به تاریخ است و تمام طبیعت و ساخته های دست انسان آثاری در خور تفسیر و بررسی برجای می گذارند. اما جهان به سرعت تغییر می کند و اگر آثار واقعاً اصلی میراث مورد شناسایی جهانی ویژه ای قرار نگیرند، حتی آنها هم در اثر جبر تغییرات محو می شوند. اگر این اتفاق بیفتد، مفهوم ارزش دائمی و بیان آن در مکانها و ساخته های خاص ممکن است از بین برود.

گنجینه هایی که برای گنجاندن در فهرست میراث جهانی انتخاب شده اند تنها گنجینه هایی نیستند که شایسته حفاظت اند. برعکس، گنجینه هایی که امتیاز قرار گرفتن در این فهرست را دارند نمونه هایی هستند برای تشویق فرمولبندی خط مشی های ملی یا بومی حفاظت از محیط زیست به طور کلی. بنابراین هدفهای بیمان هم جاه طلبانه



پنجشنبه ۱۳۹۷ خرداد ماه
 شماره ۱۳۹
 فصلنامه علمی و تخصصی

وضعیت آنهاست تا اطمینان حاصل شود که پیمان مورد احترام است و کمک مالی در جای مناسب استفاده می شود. در وارد فهرست نکردن گزینه های بی ارزش هیچ تردیدی نباید باشد. خوشبختانه این موضوع مسئله نیست. اما گسترش و موفقیت مفهوم میراث جهانی نیاز به هوشیاری دارد. اعمال کنترل فوق ملی نباید نقض حاکمیت ملی دولتها قلمداد شود زیرا آنها پس از سبک و سنگین کردن مزایا و قیدها، آزادانه تصمیم می گیرند.

هر جامعه ای می تواند در این پیمان حمایتی برای حفظ هویت فرهنگی بیابد که فراتر از کمک مادی است و می تواند به جلوگیری از نابودی پنهانی میراث یا مبارزه با سلیقه هایی که احترام ناچیزی برای آن قائلند کمک کند.

میشل پران، از فرانسه، از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ رئیس ICOMOS بود. بران به عنوان عضوی از کمیته که پیش نویس پیمان میراث جهانی را تهیه کرد و به عنوان مخیر و بعد رئیس کمیته میراث جهانی، سهم عمده ای در تولد و تکامل مفهوم میراث جهانی داشت.

